

بین آنان و زنان سرخپوست آنقدر که با ید مشعر نیست .

من از اولین زنانی بودم که اقدام به مسلح کردن خود نمودم چرا که نیروهای نظامی بدنبال من بوده و در صدد دستگیری ام برآمدند . من از دست آنان فرار کردم و به کوهستان گریختم و فرزندانم را به همسایه‌ام سپردم . پس از چند روزی تصمیم گرفتم تا به ده برگردم و فرزندانم را با خود به کوهستان ببرم . از آنجا ئیکه میدانستم نظامیان به جستجوی من مشغول هستند من و رفقایم مجبور شدیم که این کار بصورت یک ما موریت نظامی انجام دهیم و آمادگی رویارویی با نظامیان را نیز داشته باشیم . بالاخره با موفقیت توانستم که فرزندانم را با خود به کوهستان ببرم و مدتی در آنجا بسر بردم . در این مدت از نزدیک شاهد زندگی و فعالیت انقلابیون بودم . آنان علاوه بر سوادآموزی خود ، تمرین های مختلف ، و آموزش های نظامی مرتب به دهکده های اطراف سرکشی میکردند و با مردم در مورد مشکلاتشان به صحبت می نشستند و به آنان در حل مشکلات کمک میکردند . در اوائل ، مردم زیاد به این آزادگان اطمینان نمیکردند اما شرکت روز افزون زنان در این اقدامات به انقلابیون کمک کرد تا در دل مردم راه یافته و با آنان خودمانی باشند .

دوستان انقلابی و از خود گذشته من برنامه‌ئی را تنظیم کردند که طبق آن مسئولیت نگهداری از فرزندان من بر عهده همه بود و همه در این کار به من کمک میکردند . کم کم کودکان من خواندن را از انقلابیون فرا گرفتند ، آنها حتی علاقمند به تمرینات نظامی شده و با تفنگ خود (که در حقیقت یک تکه چوب بود !) بر سر تمرینات حاضر میشدند و حرکات رزمندگان را تقلید میکردند .

سرانجام بدلائل امنیتی ، من مجبور به ترک اردوگاه کوهستان سی دوستانم شدم و برای زندگی به شهر دیگری رفتم و از آنجا تماس با سازمان قطع شد . برای مدتی من و دختر دووا زده ساله‌ام مجبور به فروش نان اسپانیولی (تورتیلا) شدیم و من به همه میگفتم که شوهرم مرا به حال خودرها کرده و رفته است . مردم این حرف مرا باور میکردند چونکه اینکار در تمام امریکای لاتین رواج داشت ، البته من این حرف را زدم تا جاسوسان و ماموران امنیتی نسبت به من سوء ظن پیدا نکنند .

پس از مدتی باز به اردوگاه برگشتم و فعالان در کارهای دسته جمعی شرکت کردم . حال دیگر در اردوگاه زنان متعددی یافت میشدند که از نقاط

جنگلی، کوهستانی، ساحلی، و از همه جا آمده بودند. رزمندگان هرگز به مسن اجازه شرکت در عملیات نظامی را ندادند چونکه من بدلیل داشتن فرزندان کوچک پراحتی نمیتوانستم در مجامع عمومی ظاهر شوم بدون اینکه مورد سوءظن واقع شوم. البته بقیه زنان در عملیات نظامی شرکت میکردند اگر چه بعضی از مردان معتقد بودند که زنان جنگجویان با استقامتی نیستند! زندگی کوهستانی، زندگی اشتراکی بود. ما همیشه در گروههای سی نفره و یا بیشتر حرکت میکردیم و یا رویا و ریکدیگر بودیم. بعضی اوقات مردم هوا دار ما بمن میگفتند صحبت از مبارزه و جنگ در حضور کودکان کار صحیحی نیست. من این نظر را قبول نداشتم و میگفتم که باید به آنان آموزش داد. ما بعنوان پدر و مادر مسئول هستیم که به آنان در مورد کارها و مسائل توضیح داده و علت فعالیتها و ایمان را به آنان بگوئیم. مثلاً من برای فرزندانم کاملاً توضیح داده بودم که تنها گناه ما فقر است و بدلیل فقیر بودن مورد اجاف و استثماری قرار گرفتیم و بهمین دلیل است که زندگی رقت بار و همیشه آوارگی داریم. فرزندان من همگی بخوبی حرفهای مرا لمس و درک کردند و عجیباً آنها بی از خود در همکاری با من نشان میدادند. مثلاً یکروز دخترش سالها م نزد من آمد و بمن گفت که یک جاسوس وارد اردوگاه شده است. حرف او درست بود و ما موفق شدیم که او را دستگیر کنیم و او نیز به جاسوس بودن خود اقرار نمود.

اکنون مدتهاست که از آن روزهای خاطره انگیز میگذرد. آن موقع فقط تعداد معدودی نوجوانان در بین رزمندگان وجود داشت، اما حالا تعداد کودکانی که در اردوگاهها با انقلابیون زندگی میکنند و حتی در عملیات مسلحانه شرکت میکنند افزایش یافته است. البته افزایش تعداد نوجوانان در این مبارزات و علت اساسی دارد؛ یکی افزایش خفقان و ترورهای وحشیانه نیروهای نظامی و دیگری رشد بیش نوجوانان از مبارزات اجتماعی است.

و..... اکنون من یک نوه یک ساله دارم، دخترم و شوهرش هسردودر ارتش زحمتکشان به جنگیدن بر علیه ظلم مشغولند. سه تن از فرزندان من که در سنین ۲۲، ۲۵ و ۱۶ سالگی هستند نیز در بین آزادگان هستند. مسن دختر دیگری نیز دارم که ۱۲ ساله است و او نیز میخواهد روزی اسلحه بدست گرفته و برای آزادی مردم و میهن خود بجنگد.....

بخش دوازدهم

www.KetabFarsi.com

مکزیک:

زنان در مبارزات کارگری

مکزیک

زنان در اقتصاد

با وجود آنکه زنان در مبارزات مسلحانه ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۱ فعالانه شرکت کردند، پس از پیروزی "انقلاب" تغییرچندانی در شرایط آنان ایجاد نگردید. پس از برقراری صلح و صفا در جامعه، اقتصاد روبه شکوفائی نهاد اما تعداد زنان کارگر کمترین بسیار اندک بود ولی آن تعداد از زنانی که موفق به یافتن کار شدند وسیعاً در فعالیتهای سیاسی و صنفی شرکت نمودند. در طی جنگ ۱۹۴۵ - ۱۹۲۹ و پس از آن، صنعتی شدن و تغییر در تحولات اقتصادی باعث افزایش تقاضا برای نیروی انسانی تازه شد. از این مرحله به بعد رشد سرمایه داری در مکزیک سرعت تازه ای بخود گرفت و گروههای اجتماعی مشخصی از این سیر تحولات بهره جستند بنحوی که درآمدها و سرمایه در دست گروه کوچکی از جمعیت متمرکز شد، تحقیقات سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۹ بیانگر این واقعیت است که ۱۰ درصد از جمعیت قادر به سود تا ثروت نامحدودی نباشته کند، بر اساس همین تحقیقات فقط ۳۰ درصد از مردم قادر به ازدیاد درآمد خود شدند در حالی که استاندارد زندگی ۷۰ درصد از جمعیت نه تنها تعبیر ننمود، بلکه روبه وخامت نیز نهاد. ^۱

طبیعی است که زنان کارگر به خانواده‌های فقیری که در ظرف بیست سال گذشته فقیرتر نیز شده‌اند تعلق دارند. این واقعیت بر همه صاحب نظران روشن است که در مکزیک، بدلیل عدم تساوی در توزیع ثروت زنانی که بدنبال کار روانند از فقیرترین اقشار جامعه برخاسته‌اند. اگرچه رشد اقتصادی باعث می‌شود تا صنایع هر روز تعداد بیشتری از این زنان را جذب نماید ولی بسیاری از این زنان بدلیل عدم مهارت فنی موفقیت چندانی در یافتن کارهای فنی نداشته و در نتیجه به کارهای شکی از قبیل خدمتکاری و غیره می‌پردازند.^۲

با وجود این درصد زنانی که از نظر اقتصادی فعال هستند از ۴/۶ درصد در سال ۱۹۳۰ به ۷/۴ درصد در سال ۱۹۴۰، و به ۱۳/۶ درصد در ۱۹۵۰ و به ۱۸/۸ درصد در ۱۹۶۰، و ۱۹/۲ درصد در اواسط دهه ۱۹۷۰ رسید. باید توجه داشت که این آمار تا حد بسیار زیادی نشان‌دهنده افزایش استخدام زنان در بخش صنعتی و خدمات عمومی می‌باشد.^۳

بر اساس آخرین آمار ۱۰/۸ درصد از زنان فعال در بخش کشاورزی و ۱۹/۶ درصد در بخش صنایع مشغول به فعالیت بوده‌اند. در مقایسه ۴۶/۲ درصد از مردان فعال در بخش کشاورزی و ۲۳/۶ درصد در بخش صنایع شاغل هستند. خدمات عمومی که خدمتکاری نیز جزئی از آنست ۵۹/۸ درصد از زنان فعال و ۲۵/۲ درصد از مردان فعال را در بر می‌گیرد.

جدول صفحه ۱۹۸ نشان دهنده درصد زنان و مردان کارگر در بخش‌های مختلف است.

با کمی دقت مشاهده می‌کنیم که بیشترین درصد نیروی کارگری مکزیک در خدمت تولید (برای استفاده سرمایه‌داران از نیروی انسانی ارزان) و در بخش خدمات (برای خدمت به ثروتمندان) بکار گرفته شده است.

کشاورزی

بسیاری از صاحب نظران که آمارهای تهیه شده را تجزیه و تحلیل کرده‌اند در صحت آمار ارائه شده در بخش کشاورزی تردید دارند و معتقدند که باید در مورد تهیه آمار در این بخش دقیق‌تر عمل شود.^۴ درصد بسیار کم زنانی که در بخش کشاورزی به فعالیت مشغولند

پیانگراین واقعیت است که آمار مشاغل در روستاها بصورت ناموزونی تهیه گردیده است چرا که کار نیمه وقت زنان در مزرعه در این آمارها منظور نگردیده است. ۵

علیرغم این اشکالات، آنچه از این شرایط برمیآید اینست که بحران اقتصادی برای فقیران روستا نشین آنقدر سخت و طاقت فرسا است که آنان مجبور به ترک روستا و روی آوردن به نقاط صنعتی و شهرها شده اند.

با وجود آنکه زنان و مردان هم از این شرایط رنج برده و به یکسان ضربه دیده اند، ولی بر اساس آمار سال ۱۹۷۰ تعداد مهاجرین زن از مردان مهاجر بیشتر است. یعنی پروسه آوارگی و یا بعبارت رسمی تر مهاجرت نخست از طریق زنان شروع میشود که این خود نشان دهنده شرایط طاقت فرسای اقتصادی و اجتماعی برای زنان می باشد. ۶

زنان مهاجر پس از ورود به شهر به کار خدمتکاری، زندگی با ارباب، و کار تمام وقت میپردازند. البته راه دیگری نیز وجود دارد و آن زندگی در مناطق آلودگ نشین خارج از محدوده است که با نحوه آن در بخشهای بعدی آشنائی پیدا خواهیم کرد. اکثر زنان مهاجر بدلیل عدم مهارت، مجبور به انتخاب راه دوم میشوند.

صنایع

زنان کارگر، اغلب در بخش تولید و معمولاً در کارخانه‌های کسه مدرن نیستند متمرکز میباشند. دلیل تمرکز زنان کارگر در این کارخانه‌ها که زیاد هم بزرگ نیستند اینست که این کارخانه‌ها با یا نشین نگهداشتن دستمزدها سعی میکنند که مدت بیشتری در بازار مانده و با رقبای مدرن خود به رقابت بپردازند. برای یائین نگهداشتن دستمزدها، این کارخانه‌ها هیچ راهی جز استخدام زنان فقیر و بیکیاری که به هر حقوقی راضی هستند دارند. بیش از ۹۲/۵۶ درصد از نیم میلیون زن کارگر در صنایع مکزیک، در قسمت تولید به کار مشغولند.

در بسیاری از کارخانه‌های مکزیک، ۵۰ تا ۸۰ درصد از کارکنانی که حقوقشان کمتر از ۵۰۰ پیزو در ماه است را زنان تشکیل میدهند. یک سوم از زنان در لباس دوزی و صنایع نساجی، و یک پنجم آنان در بخش

مردان	زنان	مجموع زنان و مردان کارگر	بخش
۴۶/۲ درصد	۱۰/۸ درصد		کشاورزی :
" ۲۳/۶	" ۱۹/۶		منابع :
-	-	۱/۶۳ درصد	صنعت نفت
		" ۱/۱۵	معادن
		" ۹۲/۵۶	تولید
		" ۳/۶۶	ساختمانی
		" ۰/۹۷	برق
۲۵/۲ درصد	۵۹/۸ درصد		خدمات عمومی :
		۱/۱۷ درصد	حمل و نقل
		" ۷۱/۵۵	خدمات
		" ۴/۶۵	ادارات و دولتی
		" ۲۲/۶۰	تجارت
۴/۸ درصد	۹/۶ درصد		متفرقه :

نمودار نیروی انسانی فعال براساس جنسیت و نوع اشتغال .

صنایع غذایی بکار مشغولند. در صنایع مدرن، زنان معمولاً در قسمت‌های اداری بعنوان منشی و یا تلفنچی یافت میشوند و در تولید نقش عمده ای ندارند.

خدمات عمومی

خدمات عمومی که ۶۰ درصد از زنان کارگرا در بر میگیرند شامل: حمل و نقل، امور اداری، امور بانکی، امور بیمه، پرستاری، و دیگر خدمات بیمارستانی، آموزش و پرورش، اطلاعات و جهانگردی، تعمیرات، نگهداری هتل، لباسشویی، و دست فروشی و غیره میباشد. در اینجا سعی خواهد شد تا با مهمترین بخش‌های فعالیت زنان آشنا شویم.

۱ - دست‌فروشی و فروشندگی:

زنانی که در این قسمت‌ها مشغول بکار هستند ۲۲/۶ درصد از نیروی کارگری زنان مکزیک را تشکیل میدهند. ۴۹ درصد از آنان بصورت روزمزد کار میکنند، ۲۸ درصد برای خود کار میکنند و ۱۱ درصد از آنان بصورت خانوادگی بکار مشغولند.

۲ - خدمات عمومی (بخش دولتی و بخش خصوصی):

بیش از نیمی از زنان کارگر در مکزیک در این بخش بکار مشغولند. این رقم ۷۱ درصد از زنان کارگر مکزیک را که به خدمات عمومی اشتغال دارند در بر میگیرد که شامل ۱,۰۵۸,۰۶۵۴ نفر میشود. از این تعداد فقط ۲/۷ درصدشان تحصیلات دبیرستانی خود را به پایان رسانیده‌اند. زنان ۳۵/۶ درصد از نیروی آموزشی یعنی آموزگاران را تشکیل میدهند البته این رقم شامل زنان دانشگاهی نیز میشود. ده درصد از استادان دانشگاهها و ۲/۱ درصد از مدیران بخش‌های مختلف اداری و آموزش دانشگاهها نیز زن هستند.

۴۶/۲ درصد از ۱,۰۵۸,۰۶۵۴ نفر به شغل خدمتکاری در منازل شروتمندان مشغولند. ۹۰ درصد از این ۴۶/۲ درصد معمولاً حقوقی کمتر از ۵۰۰ پیزو در ماه دریافت میدارند. البته این مبلغ شامل ارضاء جنسی ارباب و پسران وی نمیشود و زنان مجبورند برای حفظ کار خود

تن به این کارها بدهند.

آنچه از این آمار نتیجه‌گیری میشود اینست که یک پنجم از زنان کارگر مستقیماً در خدمت صاحبان سرمایه قرار می‌گیرند. البته بسیاری از صاحبان معتقدند که اگر آمار بسیار دقیق‌تری از واقعیت‌های اسفناک زنان مکزیک تهیه شود معلوم خواهد شد که بعداً جعداً از این نیز وسیع‌تر است. باید در نظر داشت که خودفروشی و کارهای اجباری دیگری که زنان بدلیل نیاز اقتصادی انجام می‌دهند در هیچ‌کدام از این مباحث مورد بررسی قرار نگرفته است و در آمار نیز منظور نگردیده است.

نا برابری چشمگیر

تفاوت بین دستمزد زنان و مردان بخوبی از جدول زیر هویدا است. تقریباً نیمی از زنان کارگر مکزیک حقوقی معادل ۴۰ دلار در هفته دارند.

فعالیت‌های غیر کشاورزی		کلیه فعالیتها		درآمد
مردان	زنان	مردان	زنان	
۱۸/۹ درصد	۴۵/۱ درصد	۴۴/۱ درصد	۴۷/۷ درصد	بین صفر تا ۴۹۹ پزو
" ۳۵/۵	" ۲۷/۱	" ۲۷/۲	" ۲۶/۶	۵۰۰ تا ۹۹۹ پزو
" ۲۰/۳	" ۱۴/۵	" ۱۲/۶	" ۱۲/۱	۱۰۰۰ تا ۱۴۹۹ پزو
" ۱۳/۲	" ۸/۸	" ۸/۱	" ۸/۳	۱۵۰۰ تا ۲۴۹۹ پزو
" ۸/۱	" ۳/۷	" ۵/۱	" ۳/۵	۲۵۰۰ تا ۴۹۹۹ پزو
" ۳/۱	" ۰/۸	" ۱/۹	" ۰/۸	۵۰۰۰ تا ۹۹۹۹ پزو
" ۱/۴	" ۰/۵	" ۱/۰	" ۰/۶	۱۰۰۰۰ به بالا
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد

باید توجه کرد که در زمان تهیه این آمارها هر دلار آمریکا برای ۱۲/۵ پزو مکزیک بود. در حال حاضر هر دلار آمریکا برای ۱۵۵ تا ۱۸۵ پزو مکزیک است. (آمار فوق از وزارت اقتصاد مکزیک اتخاذ گردیده است.)

زنانی که در مکزیک به کار مشغولند معمولاً بسیار جوان هستند. همانگونه که در جدول زیر مشاهده میشود بیش از ۶۰ درصد از زنان کارگر مکزیک بین ۱۵ تا ۲۹ ساله هستند در حالی که ۹۰ درصد از مردان کارگر بین ۲۰ تا ۶۰ سال دارند.

تقسیم بندی زنان فعال بر اساس سن آنان

سن	۱۲-۱۴	۱۵-۱۹	۲۰-۲۴	۲۵-۲۹	۳۰-۳۹	۴۰-۴۶
درصد زنان فعال	۵/۱	۲۰/۹	۲۴/۱	۱۷/۴	۱۵/۵	۱۴/۱

آموزش عالی فقط در دسترس درصد کمی از جامعه قرار دارد و در آن درصد کم نیز سهم زنان بسیار کم و ناچیز است. بیش از ۵۰ درصد از بیسوادان مکزیک از زنان تشکیل میدهند و حتی برای زنان با سواد دسترسی به مقامات بالا مشکل و تقریباً غیرممکن است. در مدارس ابتدائی، تعداد دختران و پسران تقریباً مساوی است، اما دوره در دوره دبیرستان این موازنه بهم خورده و تعداد پسران به مراتب بیشتر از دختران میشود.^{۱۰}

زنان شهری

شرایط زنان کارگر در مناطق شهری گویای اینست که علیرغم جامع تربودن میزان فعالیت زنان، آنان کماکان در موقعیت نسبی اسفناک بسر میبرند، توکوتی که زنان شهری و زنان روستائی علیرغم تفاوت شرایط زندگی، هر دو به یک اندازه در تضیق بسر میبرند چرا که بهر حال هر دو "زن" هستند و به این دلیل هر دو در زنجیر استثمار مضاعف گرفتارند. زنان کارگر در مناطق شهری یکی از بهترین منابع نیروی انسانی ارزان را برای سرمایه داری تشکیل داده اند و صنایع و فعالیتهای اقتصادی شهری تعداد زیادی از زنان (و مردان) کارگر را به شهرها کشانده است. اما این کل قضیه نیست بلکه مناطق آلونک نشین و سختی های بی امان محرومیت ساکن آنان طرف دیگر قضیه است.

در شهر مکزیکو سیتی و مناطق اطراف آن، بیش از ۳۴/۱ درصد از کارگران رازنان تشکیل می‌دهند. در گوادالاخارا این درصد به ۳۵/۸ درصد و در مونتري به ۲۶/۳ درصد میرسد.^{۱۱} در این سه منطقه که مراکز بهداشتی و رشد صنعتی مکزیک میباشند درصد زنان کارگر بیش از حد متوسط سرتاسری مکزیک (۱۹ درصد) میباشد ولی با وجود این نسبت‌ها، این شهرها قادر به جذب کلیه نیروی کارگری نبوده و در نتیجه درصد بیکاری نیز بالا رفته و فقر افزایش میابد.

در شهر مکزیکو سیتی بخش غیررسمی، همانند دیگر مناطق شهرنشین امریکای لاتین، سرعت رشد مییابد.^{۱۲} بخش غیررسمی به قسمتی از نیروی کارگری گفته میشود که؛ اولاً شدیداً برای بدست آوردن لقمه نان رسمی انعطاف پذیر بوده و تن به هر کار سختی میدهد. - دوماً هیچگونه سندیکا و تشکیلات کارگری در خود رشد نداده و اصولاً خارج از محدوده قوانین کارگری فعالیت میکند.

- سوماً: دارای برآیند تولیدی بسیار پائین بوده و در بخش‌های غیر صنعتی تمرکز یافته است.

- چهارماً: دارای دستمزدهای بسیار پائین (پائین‌تر از حداقل معمول) میباشد.

تحقیقاتی که اخیراً در این رابطه بعمل آمده نشان‌دهنده تمرکز تعداد بسیاری از زنان در این بخش از اقتصاد مکزیک هستند که البته دلیل جذب زنان به این بخش عدم قابلیت صنایع پیشرفته در جذب آنان بوده است.

بر اساس این تحقیقات، میزان فعالیت زنان در بخش‌های رسمی با افزایش سن آنان تقلیل مییابد، با افزایش سن زنان و تقلیل فعالیت آنان در بخش رسمی، این زنان با اجبار و بدلیل اقتصادی به بخش غیررسمی روی آورده و فعالیت‌شان در بخش غیررسمی افزایش مییابد.^{۱۳} به این ترتیب دیگر عجیب نیست که زنان سالخورده در مکزیکو سیتی به روزنامه‌فروشی و فروش بلیط‌های بخت‌آزمایی بپردازند.

تجزیه و تحلیل فعالیت زنان و بطور کلی زحمتکشان در بخش‌های غیررسمی بطور کلی آمارهای موجود را دستخوش نوعی تغییر و دگرگونی میسازد، چرا که دولت هرگز قادر به شمارش افراد فعال در بخش غیررسمی نبوده و در نتیجه آمارهایی که دولت ارائه میدهد از دقت و صحت چندانی

رخوردا رنخوا هد بود . برای نمونه جدول زیر که بیانگر میزان دستمزد زنان مکزیک است بخوبی نشان میدهد که ۲۷ درصد از کارگران مکزیک بمراتب کمتر از میزان حداقل دستمزد دریافت می نمایند . باید البته توجه داشت که این آمارها که نشان درصد معتناسبی از زحمتکشان منام را بشمار نمی آورد ، بنا بر این رقم دقیق محرومینی که بخاطر دست آوردن لقمه نانی برای خود و خانواده شان به مشقت تن میدهند بیشتر از اینها می باشد .

کارگران با دستمزد کم

حد متوسط درآمد ماهیانه		دستمزد کمتر از حداقل حقوق مصوبه		تقسیم بر اساس جنسیت		رشته های شغلی
درصد مردان	درصد زنان	درصد مردان	درصد زنان	درصد مردان	درصد زنان	
۱۲۵۱	۹۰۷	۵/۸	۷۹/۸	۵۹/۸	۴۰/۲	کارگران خدمات عمومی
۱۰۱۲	۴۴۶	۴/۲	۹۲/۳	۲/۲	۷/۸	کارگران غیر ما هر بخش تولیدی
۱۱۰۹	۸۸۱	۲/۱	۶/۱	۷/۳	۲/۷	کارگران ساختمانی
۸۱۰	-	۶۵	۰	۱۰۰	۰/۰	بخش کشاورزی
-	-	-	-	۹۴/۲	۵/۸	

نچه را این جدولها برمیآید اینست که زنان در بخش خدمات عمومی غیر تخصصی تمرکز یافته اند که دارای کمترین دستمزدها میباشند . این جدول همچنین بیانگر تبعیض های بسیار شدیدی بر اساس جنسیت است خصوصاً در بخش کارگران غیر ما هر بخش تولیدی میباشد .

زنانی که متعلق به طبقات زحمتکش هستند اصولاً دوتنوع بیشتر برنوشته در انتظارشان نیست . اگر زنی زحمتکش خوش شانس باشد ممکن است موفق به تحصیلات محدودی شده و به شغل پیشخدمتی ، منشیگری ، ویسای روشندگی در فروشگاهها دست یابد . در غیر اینصورت شغل فروش میوه ، رکنار خیابان ، ویافروش روزنامه ، سیگار ، و غیره تنها سرنوشتی است

که در انتظا رزنان زحمتکش مکزیک است . ۱۴

زنان سرخپوست مکزیک نیز از این قاعده مستثنی نیستند و اکثر آنها به شغل فروش وسایل دست ساز، شیرینی، صنایع دستی، و غیره میپردازند و البته دائماً نیز به وسیله پلیس آزار و اذیت شده چرا که دارای گواهینامه مخصوص فروش در خیابان نیستند! اگرچه اسفناک ولی این یک واقعیت است که در قرن بیستم و در دوران اعتلای تکنولوژیک بشر، در مکزیک زنان زحمتکش برای ادامه بقا هم باید اجازه دولتی داشته باشند. در جوامع امریکای لاتین در مثلث و ارونه نژاد پرستی زنمان در پائین ترین نقطه قرار دارند و زنان سرخپوست از اینهم پائین تر و شاید هم بیرون مثلث! قرار داشته باشند.

یکی از کسانی که در تهیه آمارهای این بخش شرکت داشته میگوید که عدم پذیرش زنان بعنوان یک نیروی مساوی با مردان باعث شده تا زنان جذب کارهای سخت با حقوق کم شوند و عمری را در نکبت و بدبختی بسر ببرند. ۱۶

بغیر از زنان تحصیل کرده، دیگر زنان متعلق به طبقه خرده بورژوازی معتقدند که: "بسیار ناخوشایند خواهد بود اگر زنی در بیرون از منزل کار کند!، شرایط اجتماعی و فرهنگ (چندین صدساله!) به آنان امسار میکنند که در منزل بمانند و در نقش بزرگ و آسمانی خود بعنوان مادر فعالیت کنند. اگر زنی بدنبال کار بیرون از منزل برود به احترام خود و منزلت مادرانه خود خدشه جبران ناپذیری وارد آورده است. ۱۷

برای زنان زحمتکش مسئله متفاوت است. زنان زحمتکش همانند همزمان مرد خود باید برای ادامه زندگی بکوشند و کار کنند. چرا که در غیر این صورت ادامه بقا میسر نخواهد بود. برای زنان زحمتکش راه چاره ای جز کار کردن وجود ندارد.

همانگونه که مشاهده میشود در هر دو طبقه فلسفه فکری غالب بنحوی خود را در زندگی روزمره نشان میدهد. جالب اینجاست که تقسیم جوامع و از جمله جامعه مکزیک به طبقات که در نظام سرمایه داری خود را به وضوح نشان داده است نه تنها زنان را به بدترین وضعی استعمار میکند بلکه در عین حال زنان را از فراگیری فنون لازم برای شرکت منصفانه در امور تولید نیز محروم مینماید. به این ترتیب نظام سرمایه داری نه تنها زنان را مجبور به کارهای سخت ساعات طولانی مینماید بلکه تحت

نوان " زنان علاقمند به آموزش فنون صنعتی نیستند " آنها را از تخصص یافتن محروم کرده و به این ترتیب همیشه آنان را در چنگال خونین خود سیر کرده و مجبور به کارهای سخت در مقابل درآمدهای بسیار ناچیزینما ید. ۱۸.

زنان طبقه خرده بورژوازی نیز، در صورتیکه حقوق شوهران شان فاف مخارج زندگی را ندهد شروع به کار میکنند، البته کار این زنان در منزل و به اشکالی از قبیل پختن شیرینی جات، گلپافی، جعبه سازی، آختن اسباب بازی و غیره محدود میشود.

نمان و سندیکا های کارگری

فقط در صد بسیار اندکی از زنان استخدامی در مکزیک عضو سندیکا های این کشور هستند و در نتیجه قدرت این زنان برای نقضای فزایش حقوق و یا شرایط کاری بهتر بسیار کم است. ما آماری از زنانی که به سندیکا ها پیوسته اند در دست نداریم ولی این رقم باید بسیار نا چیز باشد چرا که فقط ۲۲/۵ درصد از کل کارگران مکزیک (زن و مرد) در سندیکا های کارگری عضویت دارند. ۷/۶ درصد از کارگران عضو سندیکا بخش کشتا و ورزی ۳۲، درصد در بخش تجارت، و ۵۹ درصد در بخش صنایع سه کار مشغولند. هما نظوریکه قبلا اشاره شد در صد بسیار زیادی از زنان در بخش کشتا و ورزی به کار مشغولند حال آنکه کمترین درصد از کارگران عضو سندیکا به بخش کشتا و ورزی تعلق دارند (۷/۶ درصد). ۱۹.

حتی زنانی که به عضویت سندیکا ها درآمده اند نیز آنچنان تفاونی با دیگر زنان ندارند چرا که این زنان با در نظر گرفتن درصد کمشان مدائتی و قدرتی برای کسب حقوق خود ندارند. ۲۰.

بر همه این مصائب و دشواریها، باید ما هیت فاسد رهبران سندیکا های کارگری را افزود که خود باعث استثماری بیشتر کارگران میشوند. در حقیقت رهبران سندیکا های کارگری یکی از مستحکم کنندگان زنجیر اسارت برجسم درد کشیده زنان مکزیک است. موارد زیر فقط گوشه ای از حنایاتی است که در مکزیک در جریان است:

" در ۹۵ درصد از موسسات دولتی قوانین کارگری زیر پا گذاشته میشود (مقصود قوانین نیم بندی است که بوسیله دولت وضع گردیده

است) و کارگران (مخصوصاً زنان کارگر) حقوقی به مراتب کمتر از حد اقل دستمزد دریافت میدارند و از داشتن بیمه عمومی نیز محروم میباشند. در این موسسات یا اصولاً سندیکاها وجود ندارند و یا اینکه رهبران سندیکاها همکاران کارفرمایان از آب درمی آیند. " ۲۱

" زنانی که در کافه های جنوب شهر (کافه های مخصوص کارگران) کار میکنند اغلب حقوقی کمتر از حد اقل دستمزد دریافت میکنند و از داشتن بهداشت و بیمه عمومی نیز محرومند. صاحبان این کافه ها و رستورانها زمانیکه با اعتصاب کارگران استخدا می خودرو برو می شوند بلافاصله کافه خود را تعطیل میکنند. " ۲۲

" زنان و کودکانی که در بخش دوزندگی فعالیت میکنند - و اغلب در منزل بکار مشغولند - در مقابل دوختن یک پیراهن ۱۰ تا ۲۰ پزو و برای دوختن یک شلوار ۵ تا ۷ پزو دریافت میکنند. " ۲۳

" زنانی که به کار خیاطی مشغولند است شمار شده ترین زنان مکزیک میباشند. این زنان در مقابل ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار در روز حقوق بسیار ناچیزی دریافت میکنند. " ۲۴

در هر صورت، بدلیل خودفروش بودن رهبران سندیکاها و کارگری و بدلیل وجود کارگر زیاد، کارفرمایان از استخدام زنان حتی الامکان خودداری میکنند و به این ترتیب بسیاری از قوانین کارگری بسادگی زیر پا گذاشته میشود.

نتیجه

در پایان باید اضافه کنیم که نحوه ای که نظام سرمایه داری زنان را در مراحل تولیدی در مکزیک درگیر میکند آنگونه است که کار زنان در بیرون از منزل ادامه کارشان در خانه یعنی خدمتکاری و جنبی بودن میباشد. امروزه زنان بسیار معدودی در مکزیک یافت میشوند که به کارهای صنعتی مشغول باشند ولی زنان بسیاری هستند که به کار مستخدمی

مبایس شوئی، و غیره پرداخته اند.

به این ترتیب است که جا معه مکزیک و نظام حاکم بر آن زنان و مردان را از نظر مراحل تولیدی جا معه گروه بندی کرده و نشان میدهد که از دید سرمایه داری مردان تولیدکنندگان صنعتی هستند و زنان موجوداتی را بسته به مردان بوده و نقششان در تولید اقتصادی و صنعتی در مرحله دوم قرار دارد.

این گونه قضاوت در مورد زنان است که نقش اجتماعی زنان در مکزیک را تعیین میکند و البته نتیجه آن نیز چیزی جز استخدام زنان در کارهای جنبی و کم اهمیت مانند لباس شوئی و غیره نیست.

در چنین شرایطی است که پیشرفت اجتماعی و رسیدن به مقامات بالا برای زنان غیر ممکن میشود. البته اگر زنانی نیز به مقامات بالادست یا بند (بدلیل وابستگی طبقاتی) نظام را به زیر سؤال نکشیده و در نتیجه خطری برای نظام حاکم محسوب نمیشوند چرا که غرق در لذت از مقام بدست آمده میشوند.

مضاف به همه این مسائل و فشارهای اقتصادی ناشی از آن زنان عقاید اجتماعی حاکم و عواقب وحیم آنها را باید در نظر داشت که باعث استثمار جنبی زنان و تبعیضات فراوانی بر علیه آنان میشود.

در پایان باید گفت که نظام کاپیتالیسم، ایدئولوژی قدرتمندی را پرورش داده که با استفاده از آن زنان را در سخت ترین شرایط استثمار می کند و به بند می کشد حتی اگر زنان در تولیدی آن نظام شرکت داشته باشند.

پاورقی‌ها

- ۱ - افیژیانا وارته - "تقسیم ثروت در مکزیک" (گزارشی درباره مکزیک) . ۱۹۷۴ .
- ۲ - ترسا دندون و مرسدس پدرو "گزارشی درباره مکزیک ۱۹۷۵ صفحه ۱۶ .
- ۳ - گلوریا گونزالس سالازار " شرکت کارگران در تولید " ۱۹۷۵ صفحه ۱۰۸ و ۱۱۱ و ۱۳۴ .
- ۴ - لودرس آرهبزپ زنان در بخش غیر رسمی مکزیک ژوئن ۱۹۷۶ صفحه ۱۲ .
- ۵ - گلوریا گونزالس سالازار " شرکت کارگران در تولید " ۱۹۷۵ صفحه ۱۶ .
- ۶ - رافائل روئیزهارل مهاجرت زنان تاریخ ۱۹۰۰ تا ۱۹۷۵ .
- ۷ - تا ۱۳ آگست ۱۹۷۶ هر ۱۲/۵ پزو برابر یک دلار امریکائی (۷۰ ریال) بود . اکنون این ارزش بیش از ۱۲ تا ۱۵ برابر سقوط کرده است .
- ۸ - گلوریا گونزالس سالازار " شرکت کارگران در تولید " ۱۹۷۵ صفحه ۱۱۸ و ۱۱۹ .
- ۹ - رندون و پدرو " گزارش درباره مکزیک " ۱۹۷۵ صفحه ۱۶ .
- ۱۰ - شرکت زنان مکزیک در آموزش و پرورش " . ۱۹۷۵ گزارش شماره ۲۲۷ .
- ۱۱ - گزارش اداره آمار و سرشماری مکزیک ۱۹۷۵ صفحه ۴۴ .
- ۱۲ - سازمان جهانی کار مشخصات بخش رسمی را بشرح زیر تشریح میکند :
الف : دسترسی آسان برای همگان (بازارهای غیر رسمی در حومه تهران ، ودست فروشان و میوه فروشان دوره گردان ایران از این قبیل هستند) .
ب : خرید و فروش بیرون از قوانین تجارتنی و کاری . این بخش برای خرید ، فروش ، و استخدام هیچگونه ضابطه‌ئی نداشته و کاملاً جدا از قوانین عمل میکنند .
ج : تولید کم ، برآیند اندک و استفاده از روشهای قدیمی تولید .
د : دستمزد کم و درآمد کم .
این اطلاعات از دفتر سازمان جهانی کار در ژنو اخذ گردیده است .
گزارش سال ۱۹۷۵ صفحه ۱۶ .
- ۱۳ - همانجا صفحه ۱۵
- ۱۴ - همانجا صفحه ۲۶
- ۱۵ - همانجا صفحه ۲۴ و ۲۹

- ۱۶ - همانجا صفحه ۳۹
- ۱۷ - همانجا صفحه ۲۲
- ۱۸ - لارگونیشا و دو مولین " کارگران و تولید " سال ۱۹۷۵ شماره ۸۸ صفحه ۴۵ تا ۶۰ .
- ۱۹ - گلوریا گونزالس سالازار صفحه ۱۲۲
- ۲۰ - رندون و پدرو صفحه ۱۶ .
- ۲۱ - سخن از دبیرکل " گروه زنان فعال " در روزنامه ال دیا ۲۵ مارس ۱۹۷۳ .
- ۲۲ - سخن از دبیرکل سندیکای کارگران رستوراسهای مکزیک در روزنامه " ال دیا " ۲۱ فوریه ۱۹۷۳ .
- ۲۳ - سخن از دبیرکل سندیکای کارگران سی تی ام در روزنامه " ال دیا " ۲۷ ژانویه ۱۹۷۳ .
- ۲۴ - همانجا صفحه ۵ .

بخش سیزدهم

www.KetabFarsi.com

ونزوئلا:

زنان و استثماری «دموگراتیک»

ونزوئلا

زنان کارگرو مسائل بهداشتی

زنان کارگردر مقابل با مسائل بهداشتی از جمله بارداری با مشکلات فراوانی روبرو هستند. مشکلات ناشی از بارداری برای کلیه زنان قابل اغماض نیستند چرا که تغییرات ناشی از بارداری در جسم زنان آنقدر خطیر هستند که بدون سرپرستی کامل و مراقبت دقیق پزشکی میتوانند خطرات غیرقابل پیش بینی فراوانی را برای زنان باردار بوجود بیاورند.

اگرچه پیشرفتهای در زمینه های علمی برای رویارویی با این مشکلات حاصل شده و قوانینی برای برخورد انسانی تر با این مشکلات وضع گردیده اند، اما زنان ونزوئلا همانند دیگر زنان امریکای لاتین از بی مسئولیت بودن و سرسپردگی دولت های خود رنج میبرند. این دولتها از یکطرف در مقابل سیاستهای امپریالیستی در مورد کنترل جمعیت بی تفاوت بوده و حتی از این سیاستها طرفداری میکنند و از طرف دیگر از گذاردن اطلاعات بهداشتی لازم در اختیار زنان خودداری مینمایند.

این بی مسئولیتی حکام به سرپرستها و دکترهای بیمارستانهای ونزوئلا نیز سرایت کرده است و پزشکان بر اساس خصوصیات طبقاتی خود به این بی مسئولیتیها بعدتازهائی می دهند. گزارشهایی که از بیمارستانهای

کاراکاس بدست آمده اند نشانگر این واقعیت غم انگیز هستند که هرچه بیماری فقیرتر باشد نحوه معالجه وی غیر انسانی تر خواهد بود و پزشکان در مورد وی اهمیت کمتری قائل میشوند. حل مشکلات زنان زحمتکش در مورد بارداری فقط با ایجاد قوانین مناسب و انسانی و ایجاد پیشرفته‌های تکنیکی حل نخواهد شد، بلکه باید انسانیت را به پزشکان بورژوازی موخت و اینکار نیز با تداوم حکومت فعلی امکان پذیر نخواهد بود.

مرکز بهداشت خانوادگی کاراکاس که برای فراهم کردن خدمات بهداشتی برای زنان فقیر بوجود آمده تنها مرکزی است که به این منظور در کاراکاس وجود دارد. حتی بعضی از زنان مرفه‌تر از این مرکز بدلیل داشتن وسایل تکنیکی موجود در آن استفاده مینمایند چرا که این مرکز مدرن تر است و پیشرفته‌ترین در نوع خود در تمامی ونزوئلاست. قسمت اضطراری این مرکز همیشه محل زنانی است که یا از عفونت‌های مختلف رنج میبرند و یا اینکه در آخرین روزهای بارداری خود هستند. اگر تشخیص داده شود که زن باردار مراجع به این قسمت زراستانه تولد فرزند خود میباید، بلافاصله بستری میشود و در غیر این صورت از وی خواسته میشود که فقط در زمانی به این مرکز بازگردد که در آستانه تولد نوزاد خود میباشد. علیرغم مدرن بودن، این مرکز برای کلیه مراجعین مکفی نیست و اغلب به هر دو زن باردار یک تخت بیمارستانی داده میشود.

زمانی که از این مرکز دیدن کردم، اکثر زنانی که در اتاق انتظار بودند از مناطق خارج از محدوده شهر کاراکاس و دیگر شهرهای اطراف آمده بودند. دو نفر از این زنان حتی از راه دورتری به این مرکز آمده بودند یکی از آنان برای مراجعه به این مرکز، ساعت ۵ صبح منزل خود را ترک کرده و پس از چهار ساعت به این مرکز رسیده بود. زمانی که من از وی پرسیدم که آیا مرکز بهداشتی دیگری در نزدیکی وی وجود دارد یا نه؟ وی جواب داد که یک مرکز تنظیم خانواده در نزدیکی وی وجود دارد ولی وی برای مسدود کردن لوله زایمان خود مجبور است به این مرکز بیاید چرا که این تنها مرکزی است که میتوان در آن چنین جراحی را انجام داد.

زن دیگری که از راه دور و برای دلیلی مشابه با زن قبلی به این مرکز آمده بود بوسیله پزشکان بازگردانده شده و به وی گفته شده بود که برای اینکار باید تا زمان زایمان صبر کنند. این زن میگفت که میدانم آستانه هستم و هر لحظه امکان فارغ شدن هست. پزشکان نیز این مسئله را میدانند

نی بدلیل عدم تخت کافی و بیرحم بودن مقامات بیمارستان من مجبور
ستم تا به شهرم برگردم ، نمیدانم اگر در وسط راه فرزند من بدنیا بیاید
ه بر سر من و فرزندم خواهد آمد ، حرف این زن بنظر منطقی میآید مخصوصاً
ها و برای بازگشت مجبور بود چهار ساعت با اتوبوس در راههای نا هموار
و هستانی مسافرت کند و این مسئله برای زنی که هر لحظه امکان فرار
دن دارد کار عاقلانه‌ئی نیست . تنها راه چاره این بود که برای یک یا
و روز در اطاق انتظار بیمارستان بسربرد . علاوه بر این که این زن از د و
و ز قبیل غذا نخورده بود و بشدت ضعیف شده بود ، هر بار که پرستار مسئول به
طاق انتظار میآید و به این زن میگرد و از وی می پرسید که هنوز منتظر
یست ؟

زن دیگری که در اطاق انتظار منتظر معاینه پزشکی بود نیز باردار بوده
در انتظار نهمین فرزندش بسر میبرد ، از او که از آلونک های خارج از
حدوده کاراکاس آمده بود پرسیدم آیا او نیز پس از زایمان تصمیم به
عقیم شدن دارد ؟ او با حالتی به من جواب داد که بلافاصله در یافتن اصلاً
مورد روش جلوگیری از بارداری هیچگونه اطلاعی ندارد ، من سعی کردم
که این زن را قانع کنم تا از پزشک معالج اش در این مورد اطلاعات لازم را
در یافت کرده و آگاهانها نه دست به اینکار بزند ، زمانیکه من مشغول صحبت
کردن و راضی کردن این زن بودم زن دیگری وارد بحث ما شد و گفت :
" اشکالی ندارد که او (" این زن ") از پزشک اطلاعات لازم را بگیرد و سپس
تن به عقیم شدن دهد اما وی نخست بهتر است که از شوهرش اجازه بگیرد ."
در این موقع زن دیگری وارد بحث شد و در تائید صحبت های زن قبلی گفت :
" من به چشم خود دیدم که شوهر یکی از زنانی که در اینجا عقیم شده بود به
بیمارستان آمد تا حساب دکتری که همسرش را عقیم کرده بود ببرد ! " در این
حال زن دیگری وارد صحبت ما شد و بالحنی که از آن عصبانیت بوضوح پیدا
بود گفت : " بعضی از این مردها آنقدر خودخواه هستند که ما برای هر کاری
باید از آنها اجازه بگیریم ، برای عقیم شدن ما باید از این آقایان کسب
اجازه کنیم ولی زمانیکه چند تا بچه قدونیم قد دورمان جمع شد بسا دگسی
چمدان خود را برداشته و ما را ترک میکنند " (خوانندگان عزیز حتماً
بیاد دارند که ازدواج در امریکای لاتین در بین هم‌زنان مرسوم نیست ،
اندک اندک تمام زنانی که در اطاق انتظار حضور داشتند به ما
پیوستند و از مشکلات خودمانند بیکاری ، پرورش فرزندان ، کارهای مختلف

در خانه، اخلاقهای "مردانه" شوهرانشان و غیره سخن گفتند. یکی از مشکلاتی که همه آنان بدان کم و بیش اشاره کردند مشکل نگهداری فرزندان در زمان بارداری و وضع حمل آنان بود. البته بعضی از این زنان در این مورد مشکل کمتری داشتند چرا که دارای فرزندان بزرگتری بودند که میتوانستند از خواهران و برادران کوچکتر خود نگهداری نمایند. در بین این زنان یک دختر بسیار جوان وجود داشت که میگفت چهار فرزند پسر دارد و اکنون منتظر تولد پنجمین فرزندش میباشد و امیدوار است که این فرزند دختر باشد. او میگفت که در یک خانواده ثروتمند به کار مستخدمی مشغول است و از اینکه خانم صاحب خانه آشپزی نمیدانست متعجب گسوده است. زمانی که از وی پرسیدم تعجب از چه؟ وی جواب داد دختری که ازدواج میکند باید همه فنون خانهداری را بداند. من از زنان حاضر سؤال کردم که آیا آنان معتقدند که شوهرانشان باید در کار منزل به آنان کمک کند یا نه؟ عده ای جواب دادند که بسیار عالی خواهد بود اگر شوهرانشان به آنان کمک کنند. بعضی از زنان گفتند که چون شوهرانشان در خارج از منزل کار میکنند دیگر دلیل ندارد که در خانه بکار برودند. و بالاخره گروه دیگری جواب داد که همیشه مسئله به این صورت نیست و همه مردان در بیرون از منزل کار نمیکنند و گمان کنم از کمک در کارهای منزل نیز سرباز میزنند. یکی از این زنان میگفت:

"من در بیرون از منزل کار میکنم و شوهرم را نیز از نظر مالی تامین میکنم ولی زمانیکه به خانه میآیم باید همه کارهای منزل را نیز به تنهایی انجام دهم. آری بعضی از مردان انتظار دارند که همه کارها را زنان انجام دهند."

من پرسیدم آیا فکر نمیکنند که اگر از حالا ز پسران خود در کارهای منزل کمک بگیرند آنان زمانیکه مرد شدند به زورگوشی پدران "بزرگوارشان" نخواهند بود؟ یکی از زنان جواب داد: "ای خانم! قبل از اینکه ما به پسرها چیزی بیاموزیم پدرانشان به آنها یاد داده اند که چه باید بکنند و بهمین دلیل پسران اصولاً از مادران خود حرفی را نمیپذیرند و فقط به حرف پدران خود گوش میکنند."

یکی دیگر از زنان گفت: "فقط آرزو میکنم زمانیکه دخترم بزرگ شود مسائل آنقدر تغییر یافته باشد که دخترم مانند من برده بردگان نباشد و بتواند اندکی راحت تر زندگی کند. از ما گذشته است و ما سهم خود را از

وقت‌های زندگی داشته‌ایم ولی ایکاش زندگی برای دخترانمان
حت‌تربا شد.

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

بخش چهاردهم: ضمیمه ها

ضمیمه ۱ - آمار عمومی کشورهای لاتین

درآمد سرانه	جمعیت فعال اقتصاد (شاغل)				جمعیت			کشور
	مجموع زن و مرد (نفر)	درصد مردان	درصد زنان	مردان	زنان	مجموع		
							مربع (کیلومتر)	
۶۳۰۰	۸۹۹۸۰	۳۸/۵	۱۹/۵	۱۵۳۴۶۲	۱۵۹۲۶۲	۳۱۲۷۲۴	گوادالوپ	
۷۳۰۰	۸۹۴۶۴	۳۶/۰	۲۰/۴	۱۵۵۲۱۲	۱۶۴۸۱۸	۳۲۰۰۳۰	مارتینیک	
۱۸۰۰	-	-	-	۱۳۲۶۰۹۹	۱۰۹۸۵۸۱	۲۷۰۴۱۶۵	بولیوی	
۲۷۶۰	۸۲۵۷۵۰۲	۴۷/۶	۱۱/۹	۱۲۱۳۸۴۲۹	۱۲۶۳۳۹۷۹	۲۴۷۷۲۵۰۸	کلمبیا	
۳۵۰۰	۲۶۰۷۳۶۰	۴۶/۴	۱۳/۳	۴۳۱۱۶۰۰	۴۵۲۳۲۲۰	۸۸۳۴۸۲۰	شیلی	
۳۳۰۰	۲۶۳۳۲۰۹	۴۹	۱۱/۶	۴۳۹۲۹۷۰	۴۱۷۶۱۵۱	۸۵۶۹۱۲۱	کوبا	
۲۵۰۰	۱۴۴۲۵۹۱	۵۴	۱۰/۵	۳۲۵۳۷۶۴	۳۲۴۷۰۸۱	۶۵۰۰۸۴۵	اکوادور	
۵۶۰۰	۱۲۹۰۹۵۴۰	۴۲/۶	۱۰/۲	۲۴۰۶۵۶۱۴	۲۴۱۵۹۶۲۴	۴۸۲۲۵۲۲۸	مکزیک	
۱۲۳۰۰	۶۸۳۷۹۰	۳۵/۴	۱۵/۴	۱۳۲۹۹۴۹	۱۳۸۲۰۸۴	۲۷۱۲۰۳۳	پورتوریکو	
۵۳۰۰	۱۰۱۲۲۷۱	۵۸/۹	۱۹/۳	۱۳۵۵۸۵۴	۱۴۰۸۱۱۰	۲۷۶۳۹۶۴	اروگوئه	
۱۰۵۰۰	۳۰۱۴۶۷۴	۴۳/۷	۱۲/۶	۵۳۴۹۷۱۱	۵۳۷۱۸۱۱	۱۰۷۲۱۵۲۲	ونزوئلا	
۲۰۰۰	۱۳۱۴۸۵۷	۷۸/۵	۲۱/۵	۱۷۶۰۶۱۸	۱۷۸۸۶۴۲	۳۵۴۹۲۶۰	السالوادور	

منبع این آمار گزارش سالنامه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۶ میباشد.
 برای مقایسه و تفهیم بیشتر آنچه در امریکای لاتین میگذرد کافی است که بدانیم در آن مدرسه در کشور فرانسه

ضمیمه ۲ - تاریخ آغاز شرکت زنان در انتخابات عمومی

کشور	تاریخ آغاز
ایالات متحده	۱۹۲۰
اکوادور	۱۹۲۹
پورتوریکو	۱۹۲۹
برزیل	۱۹۳۲
اروگوئه	۱۹۳۲
کوبا	۱۹۳۴
السالوادور	۱۹۳۹
دومینیکن ریپابلیک	۱۹۴۲
گواتمالا	۱۹۴۵
پاناما	۱۹۴۵
ونزوئلا	۱۹۴۶
آرژانتین	۱۹۴۷
شیلی	۱۹۴۹
کستاریکا	۱۹۴۹
مارتینیک و گوادالوپ	۱۹۴۹
هائییتی	۱۹۵۰
بولیوی	۱۹۵۲
مکزیک	۱۹۵۳
هندوراس	۱۹۵۵
نیکاراگوا	۱۹۵۵
پرو	۱۹۵۵
کلمبیا	۱۹۵۷
پاراگوئه	۱۹۶۱

ضمیمه شماره ۳ - بیکاری و زنان کارگردار آمریکای لاتین

در آمریکای لاتین، در حدود ۴۰ درصد از کارگران شاغل در بخش کشاورزی مشغول بکارند، البته این ۴۰ درصد فقط یک میانگین است که از ۶ درصد در سالوادرتا ۲۰ درصد در اروگوئه در تغییر می‌باشد. برآیند کم در بخش کشاورزی در بعضی از مناطق آمریکای لاتین بیانگر روابط تولیدی دوران ماقبل سرمایه‌داری می‌باشد که هنوز برای این کشورها حکمفرماست. البته استفاده از ماشین‌های کشاورزی، همراه با افزایش جمعیت نیز به پائین بودن درصد کارگران بخش کشاورزی کمک شایانی نموده است.

در بخش صنعتی، علیرغم رشد و توسعه صنایع و افزایش سرمایه‌گذاریهای خارجی، کم‌کار بیکاری روبه‌افزایش می‌باشد چرا که همراه با رشد صنعتی، سرمایه‌داری انحصاری برای افزایش سود خود سعی می‌کند تا از هرگونه مخارج اضافی از جمله تعداد کارگران بکاهد. این کار البته با فشار به کارگران برای بیشترین بهره‌برداری صورت می‌گیرد به این ترتیب که سرمایه‌داری از ۵ کارگر برآیندی معادل کار ۸ تا ۱۰ کارگر طلب می‌کند. همچنین وابستگی اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین صاحبان صنایع را که یا سرمایه‌گذاران خارجی هستند و یا تاجران "محترم" و سرمایه‌داران "ملی" موجب استفاده از ماشین‌آلات پیشرفته‌تری می‌نماید که صاحبان سرمایه را از وجود کارگران متعددی نیازمینماید. البته در این مورد استثناهایی نیز وجود دارد و کشورهای که مثلاً درصد بیکاریشان ۳ درصد، رشد اقتصادی‌شان ۲/۶ درصد، و رشد جمعیت‌شان ۲/۸ درصد می‌باشد دیگر به این فاکتورها اهمیتی نداده و با استفاده از نیروی ماشین می‌پردازند.

بطور کلی تجربه رشد سرمایه‌داری پس از جنگ جهانی دوم نشان داد که بخش تولیدی در آمریکای لاتین از جذب نیروی انسانی اضافه در نقاط شهرنشین و خارج از محدوده کاملاً عاجز بوده و عملاً توانایی استفاده از این نیرو را ندارد. در عوض، بخش غیرتولیدی و خدمات عمومی در طی همین مدت شدیداً رشد کرده بنحوی که از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ رشد آن بیش از ۲۴/۴ درصد بود در حالی که بخش تولیدی (صنعتی) فقط رشدی برابر با ۶ درصد داشت. در مورد بخش کشاورزی علیرغم رشد کارگران روستایی در طی همین مدت بیش از ۷۵/۵ درصد بود ولی به نسبت کلی درصد کارگران بخش کشاورزی نسبت به بخش غیرتولیدی ۲۲ درصد تقلیل یافت.

یک دلیل که با زگوکننده این مشکل است و اتفاقاً زنان را بیش از مردان در برمیگیرد اینست که در سال ۱۹۶۰ در حدود ۴۰ درصد از نیسرووی کارگری امریکای لاتین یا با دستمزد پائین ترا از حد معمول بکار مشغول بودند و یا بطور کلی بیکار بودند. چندین گروه تحقیقاتی با نامهای عریض و طویل و در پشت درهای بسته و در زیر کولر تشکیل شدند تا برای این مشکلات راه حل هایی بیا بند تا به کمک این راه حل ها بارش در آمد مدرسه بیکاری را در کشورهای امریکای لاتین تا سال ۱۹۸۰ به صفر برسانند. از آنجا نیکه این راه حل های شیک که در پشت درهای بسته و بوسیله محقق های نورچشمی تهیه شده بود و از آنجا نیکه این نورچشمی ها دست پرورده سرمایه داری انحصاری و بخصوص خداوند قدرت در کاخ سیاه و واشینگتن بودند هرگز آنقدر شعور از خود بروز ندادند که نقش زنان را بصورت واقعی در نظر بگیرند. به همین دلیل در کلیه محاسبات این گروه های تحقیقاتی، درصد زنان فعال در امر تولیدی و اقتصادی از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ ثابت فرض شد. به این ترتیب دلیل واقعی بیکاری در این راه حل ها از ریشه نادیده گرفته شد. ساده ترین محاسبات اقتصادی بوسیله حتی ساده ترین افراد اجتماع بخوبی نشان میدهد که شاغل بودن یک اثر است تا یک متغیر و این اثر اقتصادی میتواند بوسیله برنامهریزی های متفاوت رشد یا بدتای به کمک آن اقتصاد هر کشور شکوفان شود. بنابراین جای تعجب است که دانشمندان اقتصاد بورژوازی این موضوع را نادیده بگیرند. تنها نتیجه ای که میتوان از این نادیده گیری گرفت اینست که امپریالیسم واقعاً خواهان حل بیکاری در امریکای لاتین نیست و این همان چیزی است که سوسیالیستها بارها به آن اشاره کرده اند که امپریالیسم ریشه واقعی کلیه مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشورهاست.

فقط این اواخر یعنی سالهای ۱۹۷۰ بعدی بود که نقش زن در گردش چرخهای اقتصاد دشمن نابینای بورژوازی را گشود و آنرا محبوس به پذیرش این امر نمود که برای تهیه سیاستهای گسترش اقتصادی خود زنستان را نمیتوانند نادیده بگیرد. زنان امریکای لاتین صد البته از بهر رسمیت شناخته شدن اقتصادی در جامعه به دور بوده و مسئله کار کردن زنان و نقش آنان در اقتصاد امپریالیستی هنوز آنگونه که با بد شناخته شده است. بنابراین تا زمانیکه این شناخت بوجود نیاید برای بررسی وضع زنان کارگر و بیکاری آنان به مشخصات منحصر بفرد و عمومی هر کشور مراجعه و بر

ساز آن چهارچوبه‌راهی برای مشکلات مربوطه یافت. جدول شماره نشان
دهنده شرایط مشابه اقتصادی زنان کارگرد کشورهای مختلف میباشند و
بیانگر این موضوع است که علیرغم منحصر بفرد دیدن و سنجیدن شرایط
زنان کارگر امریکای لاتین، آنان شرایط مشابهی نیز دارند که با یـ
ر راه‌یابی‌ها از آنها کمک گرفت.

باید توجه داشت که بدلیل عدم دسترسی به آمار دقیق، آمار ارائه
شده در جدول شماره ۱ با استناد به آمارهای دولتی، سرشماری‌های مختلف،
ارزیابی‌ها و پیش‌بینی‌های اقتصادی تهیه شده و فقط راهنمایی برای
رک بیشتر از شرایط زنان امریکای لاتین میباشد.

این آمار همچنین بیانگر جذب زنان به نیروی کاری هستند ولی باید
توجه کرد که زنان، اغلب در کارهای خدماتی به فعالیت مشغولند چرا که
ساختمان اقتصادی جوامع امریکای لاتین قادر به جذب زنان در قسمتهای
تولیدی نیست. بهمین دلیل درصد بیکاری زنان بسیار زیاد بوده و روز به
روز نیز افزایش مییابد. در سال ۱۹۶۰ در حدود ۵۷/۵ درصد از زنان کارگر
در خدمات عمومی بکار مشغول بودند و کمترین امروزه دو نفر از هر ۵ نفر زن
کارگر به کار مستخدمی مشغولند. (به جدول شماره ۲ رجوع کنید). در جوامعی
که صنایع پیشرفته وجود داشته و خدمات عمومی نیز قابلیت جذب کامل
زنان کارگر را ندارند، زنان بخش عمده‌ای از کارگران روستائی را
تشکیل میدهند و در این مورد کثرت و ورزی تنها بخشی است که قادر به جذب
زنان کارگر میباشد.

در کشورهای که زنان جذب بخش صنعتی شده‌اند الزامات بسیار کمتری
که زندگی بهتری داشته و در وضعیت زندگیشان بهبودی حاصل شده است. آنان
معمولا حتی در بخش صنعتی نیز کارهای اداری را اشغال نموده و حقوقشان
بمرااتب کمتر از مردان است (به جدول شماره ۳ رجوع کنید). معمولا
کارهایی که زنان مجبور به پذیرش آنها هستند با استثمار بیشتری قریب
بوده و زنان را در چنگالهای خونین استثمارگران قرار میدهد. در بسیاری
از موارد، پیشرفت صنایع باعث تضییق روز افزون بر زنان گردیده و باعث
جابجائی آنان و حتی بیکاری شان شده است. نمونه بسیار روشن این
جابجائی در کشورهای شیلی، برزیل، پرو، ونزوئلا به چشم میخورد. زمانی
که ماشینهای پیشرفته صنعتی به عرصه عمل وارد میشوند زنان در صف اول از
دست دادن کار قرار دارند و ما همان کارمعمولا اول زنان را اخراج میکنند

وبعد مردان را .

سوء استفاده جنسی نیز بطرز وحشتناکی در امریکای لاتین رواج دارد .
بر اساس گزارشهای سازمان جهانی کار (گزارش دوم سال ۷۶ صفحه ۲۵)
زنان کارمند و کارگر امریکای لاتین برای استخدام شدن ، ارتقاء رتبه ، و
افزایش دستمزد باید در بسیاری از موارد تن به خواستهای کثیف روسا و
استخدام کنندگان خود بدهند . حتی پس از استخدام نیز مردان به مراتب
حقوق بیشتری برای کار مساوی با زنان دریافت مینمایند . یک تحقیق
ساده در یک مورد مشخص در ونزوئلا نشان داد که حقوق مردان ۶۰ درصد بیشتر
از زنان همکارشان میباشد .

بر اساس گزارش دیگری از سازمان جهانی کار (گزارش دوم سال ۷۶
صفحه ۲۸) تبعیض جنسی در ونزوئلا بنحو وحشت انگیزی در حال رشد است حال
آنکه این مسئله در مکزیک بصورت واضحی بر زنان تحمیل گردیده است . در
پورتوریکو ، پیشرفت صنعت باعث شده تا زنان بسیاری کار خود را از دست
داده و قادر به پیدا کردن کار دیگری نباشند .

امروزه اشتباه بودن فرضیه‌ئی که معتقدست با صنعتی شدن یک کشور
درصد زنان فعال در بخش فعال اقتصادی و تولیدی افزایش مییابد به
وضوح ثابت شده است . برای اثبات اشتباه بودن این فرضیه کافی است
نگاهی به سال‌ها در ومارتینیک بیاندازیم که از عقب افتاده ترین
کشورهای امریکای لاتین از همه نظر بخصوص از نظر پیشرفت صنعتی هستند .
در این کشورها به ترتیب ۴۰ درصد و ۳۰ درصد از نیروی فعال کارگری را
زنان تشکیل میدهند بدون اینکه در این کشورها صنعت پیشرفته وجود
داشته باشد و یا بشود این کشورها را جوامعی صنعتی نامید . زنان کارگر
همانند همگی طبقه کارگر از صنعتی ترو تکنیکی تر شدن تولیدکامپیتالیستی
کمتر و کمتر سود برده و شرایط اقتصادی شان روز بروز وخیم تر میشود چرا که
جز با وخیم شدن زندگی کارگران کاخهای سربه فلک کشیده خداوندان
سرمایه و آسمان خراشهای پر طمطراق هرگز پانمیگیرند . آری با خـ
کارگران امریکای لاتین ، ایران و آفریقا است که چیس مانها تان بانک
نیویورک و کمپانیهای هفت خواهران (شرکتهای نفتی) و همپالکی های
خون آشا مشان چه در امریکا ، چه در شوروی ، چه در ژاپن و چه در اروپا بزمهای
شاها نه برپا میکنند .

اجازه بدهید به اصل مطلب بازگردیم ، در هر صورت توسعه صنایع وابسته

به امپریالیستها و در رابطه با خدمت مستقیم به منافع سرمایه داری جهانی و همچنین توسعه های اقتصادی و رشد بخش غیررسمی، همگی شرایط زنان آمریکای لاتین را در نیروی تولیدی بسیارضعیف نموده است. چرا که رشد اقتصادی در جوامعی که دارای اقتصاد وابسته باشند، هدفی جز خدمت به سرچشمه های حیاتی خود که همانا سرمایه های خارجی و در رأس آن امپریالیسم جهانی است نداشته و به این ترتیب نتیجه ی نیز جز جز بیشتر زحمتکشان بدنبال نخواهد داشت. به این دلایل نقش زن در نیروی تولیدی آمریکای لاتین بعنوان یک نیروی ذخیره هر روز تثبیت میشود و در نتیجه این اقدام، موقعیت زنان در جامعه بعنوان انسانهای ذخیره و نقش مردان بعنوان مهره های اصلی، هر روز بیشتر و بیشتر جلوه گر میگردد.

نگاهی به جدول های شماره ۴ و شماره ۵ بیانگر این واقعیت است که اولاً زنان آمریکای لاتین بعنوان یک برگ برنده همیشه در دستمای کثیف سرمایه داری به بازی گرفته میشوند. سرمایه داری جهانی زنان را در سنین جوانی فقط به کار میپذیرد و به آنان حقوقی بسیار کم پرداخت میکند. با بکار گرفتن زنان در سنین جوانی، آنان از تحصیل محروم و بکار مشغول میشوند. زنان که بدلیل اقتصادی و تبعیض جنسی برای تحصیل با مشکلات فراوانی روبرو هستند مجبور به کار میشوند و در نتیجه درصد تحصیلات در بین زنان افت میکند. این حساس ترین برگ برنده جنایتکاران بین المللی است که با این اقدام خود مادران آینده را از داشتن و بزرگوار شدن کشیدن نظام دور میکنند و همچنین فرزندان آینده را نیز از داشتن مادران آگاه محروم مینمایند. حال تصور کنید جامعه ای که از زنان آگاه و مادران مسئول (بمعنای واقعی کلمه و نه فقط پرستار فرزندان) محروم باشد جامعه ای است پایه و آنچنان آسیب پذیر خواهد بود که حتی مینسوان جنایتکاری چون خمینی را به آن تحمیل نمود. شاید بزرگ گروهی، در اینها دید متفاوتی از نقش زن و مادر در جامعه تحت ستم مان ارائه شده، ولی به جرئت میتوان گفت که آنان که سالیان سال برای بران حکمفرمایی کرده و میکنند بدون به زنجیر کشیدن زنان و خانه نشین کردن آنان، یا به دنبال خوشگذرانی فرستادن آنان و در نتیجه سکوت کردن بریادهای آنان حتی یک ثانیه نیز قدرت پر جا ماندن نداشته و ندارند. جامعه ای که از داشتن مادران آگاه محروم باشد بزرگترین قدم را بسوی پرتگاه وابستگی و استعمار برداشته است. آنانکه برای وابستگی اقتصادی